( 78 )

هو الابهی

ای امة الله شکر کن حضرت دوست را که در حلقه آشفتگان موی او و عاشقان روی او درآمدی تشنه جگر سوخته ببحر عذب سلسال و سلسبیل شیرین پی برد و مرغ صبحگاهی بگلستان الهی درآمد غزال صحرای محبت الله ببر وحدت شتافت و مشتاق جمال ذو الجلال بمیدان مشاهده و شهود بتاخت ای صد آفرین بر قلب نورانیت که مجلای انوار هدایت شد ای صد بشارت بروح رحمانیت که مظهر نظر عنایت گشت عنقریب ملاحظه کنی که لسانی ناطق و نخلی باسق و کوکبی شارق گشتی و تأیید جمال ابهی روحی لأحبائه الفدا از یمین و یسار احاطه نموده و البهآء علیک (ع ع)